

خاموشی ارتباطات

اخلال ها و قطعی های اینترنت ادامه دارد و وزارت ارتباطات می گوید پیگیر باز کردن دسترسی هاست

گروه فناوری: از زمان شروع اعتراضات مردمی در حدود دو هفته پیش، با وجود اختلال های مقطعی و گاه به گاه در سرعت اینترنت یا کاهش دسترسی به وی بی ان ها، از حدود نیمه های شب ابتدا دسترسی به اینترنت آزاد روی شبکه سیار و پس از آن اینترنت ثابت محدود و قطع شد و پس از آن خدمات پیام کوتاه از دسترس خارج شدند. برخی کاربران نیز گزارش دادند امکان تماس تلفنی موبایلی و همین طور تلفن ثابت نیز برای آنها قطع شده است. این وضعیت حدود ۱۲ ساعت دیروز ادامه داشت. از نیمه های ظهر جمعه ابتدا اعلام شد اینترنت داخلی موسوم به اینترنت ملی بر بستر شبکه ملی اطلاعات برقرار شده و سایت های دارای سرورهای داخلی و دارای دامنه «ای آر» باز می شوند. البته مطابق براساس تجربه ما، تا لحظه تنظیم این گزارش، اینترنت ملی داخلی اختلال شدید دارد و به ندرت سایت های دارای دامنه داخلی باز می شوند، قابلیت ارسال و دریافت پیام کوتاه کماکان قطع است و هیچ خبری هم از اینترنت بین الملل نیست.

مسئولیت قطعی با نهادهای امنیتی است

اختلال و قطعی ارتباطات تلفنی، پیام رسانی و اینترنت از دیروز مشکلات و چالش های زیادی برای مردم، کسب و کارها و سازمان ها و نهادهای خدماتی و امدادی ایجاد کرده است. آنچه به عنوان اینترنت در حال حاضر تجربه می کنیم، فرسنگ ها با آنچه اینترنت خوانده می شود، فاصله دارد؛ به طوری که برای معمولی ترین کارها هم که یک جستجوی ساده است، جواب گو نیست. یکی از سوال های اساسی که از دیروز همه از مسئولان دارند، این است که کدام نهادها و سازمان ها و چرا اینترنت را قطع کرده اند. در این میان اولین نام، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است. وزارت ارتباطات در اطلاعیه ای که در همین خصوص منتشر کرده، مسئولیت قطعی اینترنت و خدمات ارتباطی را متوجه نهادهای امنیتی دانسته و تاکید کرده که پیگیر است که اختلال و قطعی ها هر چه سریع تر برطرف شود. متن این بیانیه بدین شرح است: «در پی تماس های مکرر رسانه ها، مردم و کسب و کارها با وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در خصوص اختلال های پیش آمده در زیرساخت های خدماتی و ارتباطی و بروز برخی مشکلات برای مردم بزرگوار، به اطلاع می رساند تصمیم راجع به قطعی های مذکور توسط مراجع امنیتی ذی صلاح و بنا بر شرایط پیش آمده کشور اخذ شده و این وزارت خانه مجدانه پیگیر برقراری مجدد ارتباطات و از سرگیری استمرار خدمات می باشد. نتایج پیگیری ها متعاقباً اطلاع رسانی خواهد شد.»

زایل شدن حق ارتباطات

وزارت ارتباطات بارها بر این موضوع تاکید کرده که اولویت خود را بر توسعه زیرساخت های ارتباطی کشور مانند توسعه فیبر نوری و اینترنت 5G، توسعه باندهای فرکانسی، اجرای طرح جی نف و حمایت از کسب و کارهای دیجیتال قرار داده و رویکرد خود را بر رفع فیلترینگ و محدودیت ها گذاشته است. این وزارت خانه می گوید از حق ارتباطات و دسترسی به اینترنت دفاع می کند و در بزنگاه های حساس و وقوع شرایط اضطراری که اینترنت قطع یا دچار اختلال می شود، پیگیر رفع محدودیت ها و هموار کردن دسترسی هاست.

واقعیت این است که در عصر کنونی، از دسترسی آزاد و بدون تبعیض به اطلاعات یکی از اساسی ترین ارکان جوامع است. اینترنت، نه تنها بستری برای تبادل اطلاعات، بلکه ساختار نوین برای تولید دانش، سازمان دهی، توسعه اقتصادی و پیشرفت است، اما در ایران، روند نزولی کیفیت اینترنت و سیاست های فیلترینگ، این بستر تحول آفرین را به یک میدان پر از مانع و محدودیت تبدیل کرده است. قطعی اینترنت در روزهایی که اعتراض های مردمی به مسئله تبدیل شده، کشور را به نقطه ای بحرانی از نظر رابطه مردم و فناوری سوق می دهد. اینترنت در این روزها به جای آنکه فرصتی برای انتشار سریع و دقیق وقایع و تحولات باشد، به عامل گسست تبدیل شده و در عمل به عنوان یک سیاست شفاف آفرین عمل می کند.



۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

تلفن روابط عمومی: ۰۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هممیهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



روشنفکری ایران و یک سندروم قدیمی

معیار سنجش هر مصلحی باید میزان التزام او به حکومت قانون و احترام به نهادهای پشتیبان حقوق شهروندان باشد

آن را «روشنفکری از بالا» نامید، منادی رویکردی به تجدید بود که به مستبد روشن اندیشی همچون «پتر کبیر» یا «فردریک کبیر» نیاز داشت تا ایران را سامان بخشد و تجدید را برای آن به ارمان آورد.

این تناقض در نظر که تالی های نامطلوبی را نیز در عمل با خود داشت، چیزی است که می توان آن را سندروم میرزا فتحعلی آخوندزاده نام گذاشت، یعنی حضور همزمان انگاره های متضادی در باب رهایی بخشی و آزادی از یک سو و میل به اقتدارگرایی و منجی گرایی از سویی دیگر در افکار و آرای روشنفکران ایرانی.

همانگونه که تاریخ ایران بعدها شاهد آن بود، بسیاری از روشنفکران ایرانی و حتی بازگوران سیاسی در داخل و خارج از حکومت نیز مانند آخوندزاده و شاید متأثر از آراء او، به ویژه در زمانه بحران ها دچار چنین سندرومی شدند و در نوسانی میان جنبه های رهایی بخش و آرمانی اندیشه های خود و انگاره های نقیض آن همچون تمنای ظهور یک منجی، اسوه و یا حتی مصلح و مستبندی روشن اندیش که در حرکت بودند؛ مواردی که به هنگام برآمدن پهلوی اول (به عنوان مثال نگاه کنید به مقاله آفشار در مجله «شوق سرخ») رخداد انقلاب اسلامی و حتی سرگشتگی پهلوی دوم در میانه انقلابی بودن (انقلاب شاه مردم) یا حامی و مظهر پاسداری از دیانت و ارزش های قدیمی و باستانی بودن به وضوح قابل رؤیت است.

روشنفکران اولین قربانیان استبداد

گرچه حداقل ظهور چنین سندرومی در میان روشنفکران در بسیاری موارد بیش از آن که برآمده از تمایلات واقعی فکری و وجدانی آن ها باشد تالی بعضی های فروخته از استبداد و ناکارآمدی نظام سیاسی بود و لزوم تن دادن به راهبردی جهت فشرده کردن صفوف ملت یا بعدها امت برای گذار از یک وضعیت فلاکت بار و استبدادی (البته به زعم آنها) به وضعیت رهایی و آزادی آن ها را تاگزیر به ناپدید گرفتن وجوه رهایی بخش اندیشه های خود و اقتدای موقت و عملگرایانه به اسوه، منجی یا مصلحی روشن اندیش می کرد، اما در اغلب موارد آن تصمیم راهبردی در حمایت از اسوه، همان روشنفکران را بدل به اولین قربانیان استبداد می نمود.

حال نیز با سر برآوردن بحرانی دیگر و با ظهور اسوه یا منجی دیگر شاهد تکرار تاریخ و سرنمونی مجدد سندروم میرزا فتحعلی آخوندزاده در میان برخی از اهل نظر ایرانی هستیم. اگر چه در موارد پیشین به دلیل عدم آگاهی یا آگاهی سطحی و نازل روشنفکران و اهل نظر ایرانی از تحولات فکری و نهادی دنیای جدید، گرفتاری آن ها در خطای شناختی و محاسباتی برای مبارزه با استبداد و دست یافتن به رهایی و آزادی تا حدی قابل درک می نمود، اما اکنون به مدد زندگی در عصر گردش آزاد اطلاعات و انبوهی از متون معتبر که حاصل پژوهش های قابل تأمل درباره تجربیات جوامع استبدادی و شیوه های گذار آنها از استبداد به دموکراسی های مبتنی بر نهادهای مدافع حقوق شهروندان و حکومت قانون هستیم، روشنفکری ایرانی را دیگر بهانه ای برای گرفتاری در آن سندروم قدیمی و خطای شناختی نخواهد بود. به واقع شاید راه خروج روشنفکران و اهل نظر ایرانی از آن معضل تاریخی و شناختی تنها حرکت با حتی بازگشت به مسیر و تجربه حکومت قانون و ترمیم و اصلاح نهادهای مدافع و پاسدار قانون و حقوق شهروندان باشد که بنابر تجربه جوامعی که آن ها را به عنوان پیشگامان دموکراسی های مدرن می شناسیم تنها الگوی عقلانی دستیابی به خیر جمعی و مصلحت عمومی است. همچنین معیار سنجش هر اسوه یا مصلحی نیز باید میزان التزام او به حکومت قانون و احترام به نهادهای پشتیبان حقوق شهروندان باشد، چرا که هر امری جز این تکرار همان تجربیات نه چندان مطلوب گذشته خواهد بود.

عارف مسعودی

پژوهشگر سیاست



میرزا فتحعلی آخوندزاده از همان نادره هایی در تاریخ فکر ایرانیان است که اگر او را مبدع تاریخ روشنفکری ایران بنامیم برپیراه نگفته ایم. نام او پیوسته «در صدر موج آفرینان اجتماعی و سیاسی قرار داشته است. گروهی او را اندیشمند و ادیبی دوراندیش می دانند که سعادت ملل اسلام و کشورهای اسلامی را مدنظر داشته است و مظهر کامل کششگ روشنفکر اجتماعی انقلابی پیشرو، معنویت گرا و خردورز بوده است.» گروهی دیگر اما بدون انکار نقش اجتماعی و فرهنگی وی، او را دین ستیز نامیده اند و از مبارزات وی با خرافه گری و موهوم پرستی به مذهب ستیزی تعبیر کرده اند. به هر رو باید گفت که وی در زمانه خود نظر به پرداز فلسفی، اندیشمند اجتماعی، منتقد ادبی و نماینده نویس بزرگی است.

دسپوتیزم و فنانیسم

از منظر اندیشه رهایی بخش که آخوندزاده مانند بسیاری دیگر از اندیشه های نوآیند از پیشگامان آن بود، تمرکز خود را بر دو مفهوم «دسپوتیزم» و «فنانیسم» می گذارد که او همه نگویندختی های توده های مسلمان را حاصل از آن می داند. آخوندزاده در مکتوبات خود «دسپوتیزم» را روشی می داند که بر اساس آن فرمانروایان بدون پیروی از هیچ اساسی زمامداری کرده و خودکامگی را پیشه خود ساخته اند. درباره «فنانیسم» نیز بر این باور است که افرادی که دچار آن می شوند بدون هیچ اندیشه و تأملی به هر تفکری صواب یا خطا گرویده و تعصب و پایداری بی اندازه ای در حمایت از آن نشان می دهند. او توده ای را ناتوان می داند که در آن از قانون حقوق و آزادی و داد و برابری نشانی نیست و اندیشه های مذهبی در میان آن در بند پندارهای پوچ نهی و بی مایه است. آخوندزاده ناتوانی را تنها ناتوانی مادی نمی داند. از ناتوانی روانی نیز شکایت دارد: «جوهر قابلیت تو را رنگ آلود و به دنانت طبع و ذالت و ذلت و عبودیت و تملق و ریا و نفاق و مکر خدعه و جبن خوگر ساخته و جمیع خصایص حسنه را از صداقت و عدالت و وفا و جوانمردی و شجاعت و علوی طلبی و بلندمندی و بی طمعگی از طبیعت تو سلب کرده و طینت تو را با این صفات معدوده مخمر نموده» است. او ایرانیان را به اتحاد در برابر دسپوت و ترک عبودیت فرا می خواند. همچنین آخوندزاده در گفتارش پیرامون فرمانروایی است که شورش را جایز شمرده و به آن سفارش می کند و بر خاستن در برابر حکومت خودکامه را لازم می داند. او بر این باور است که «روولوسیون عبارت از چنان حالتی است که مردم از رفتار... دسپوت و ظلم به ستوه آمده و به شورش اتفاق کرده... به جهت آسایش و سعادت خود قانون وضع کنند... و برای خود بر حسب تجویز فیلسوفان موافق عقل، آئین تازه ای برگزینند.»

روشنفکری از بالا

اماد در کنار این وجه رهایی بخش از اندیشه ها و سلوک فکری او وجه دیگری نیز وجود داشت که زمینه ساز دوگانگی شد که می شود ردهای آن را در مواضع فکری روشنفکری ایرانی و البته جریانات سیاسی و اجتماعی متأثر از آن تا امروز مشاهده نمود. به واقع در آرای آخوندزاده و بسیاری دیگر از روشنفکران بعد از او می توان هم اندیشه های بالقوه رهایی بخش مانند حکومت مشروطه، آموزش همگانی، آزادی و حقوق زنان در کنار نقیض آنها، یعنی اثبات گرایی علمی و اخلاقی، ملی گرایی نژادپرستانه و روشنفکری از بالا توسط یک «مرد کبیر» را ملاحظه نمود. تاکید او بر چیزی که می توان

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی

مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی

سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی

دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین الملل)

علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)

مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری

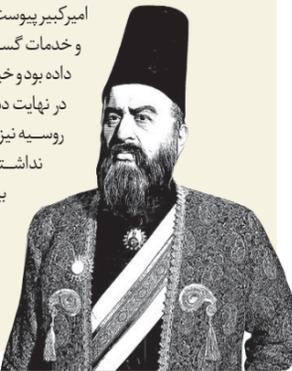
مدیر هنری: مهدی قربانی تبار

هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

چهره

امیر ناکام

بیستم آبان ۱۲۳۰ میرزاتقی خان امیرکبیر صدراعظم بزرگ تاریخ قاجار و یکی از نخستین دولتمردان ایرانی که کوشید ایران را راهی جاده های ترقی و پیشرفت کند، به دستور ناصرالدین شاه قاجار در حمام فین کاشان به قتل رسید. میرزاتقی خان بیچه آشپز بود و از کودکی فراسخت و ذکاوت او مورد توجه قائم مقام فراهانی قرار گرفت. بدین ترتیب در دربار رشد کرد و بعدتر به پیشکاری ناصرالدین میرزای جوان ولیعهد رسید. او جز این تجربیاتی نیز در این دوران در عرصه دیپلماسی داشت و جزء هیئت مذاکره درباره قاجار با امپراتوری عثمانی بود. بعد از مرگ محمدشاه و در شرایطی که نبرد قدرت در تهران بر سر تخت سلطنت بالا گرفته بود، میرزاتقی خان موفق شد با همراهی مهد علیا مادر قدرتمند ناصرالدین میرزا اقدامات سلطنت او را فراهم آورد. بعد از آن نیز به مورد وثوق ترین چهره سیاسی نزد پادشاه جوان بدل شد و با اختیارات گسترده ای که بدین طریق پیدا کرد، دست به اصلاحاتی اساسی در حکمرانی زد. این اصلاحات البته به مذاق بسیاری از گروه های ذینفع در دربار قاجار خوش نیامد و بدین ترتیب او دشمنان فراوانی پیدا کرد که از کاهش جبره و مواجب و اختیارات خود به شدت نگران بودند و قدرت امیرکبیر را مانعی جدی در برابر تداوم ویژه خواری های خود بر می شمردند. بدین ترتیب سعایت ها از امیرکبیر نزد شاه بالا گرفت و مشکل وقتی شدت پیدا کرد که مهد علیا نیز به مخالفان امیرکبیر پیوست. شاه جوان مردد میان امیرکبیر و خدمات گسترده ای که برای مملکت انجام داده بود و خیل اطرافیان ناراضی از امیرکبیر، در نهایت دستور عزل او را داد. بریتانیا و روسیه نیز البته دل خوشی از امیرکبیر نداشتند و بدین قرار حلقه محاصره او بیش از پیش تنگ شد. در نهایت حتی عزل نیز خیال مخالفان را راحت نکرد و آنقدر بر تحریک شاه افزودند که دستور قتل او را نیز صادر کرد.



کتابخانه

خوانش فلسفی از ژن

گرفیفتی و اشتوتس دو پژوهشگر و استاد دانشگاه هستند که مقالات و کتاب های متعددی درباره فلسفه زیست شناسی نوشته اند. این دودر «ژنتیک و فلسفه» با نگاهی تحلیلی و فلسفی تحولات مفهوم «ژن» را بررسی می کنند و به جای تمرکز صرف بر اطلاعات زیستی درک عمیق تری از بنیان های مفهومی علم ژنتیک ارائه می دهند. آن ها تاثیرات انقلابی زیست شناسی مولکولی را کاملاً می پذیرند، اما «ژن محسوری» و «فروکاست گرایی» را رد می کنند. علاوه بر این، ضمن بررسی انواع نگاه ها به مفهوم «ژن» را رویکردی انتقادی نشان می دهند که درک درست از ژنتیک، تنها



کتاب: ژنتیک و فلسفه
نویسنده: بل گریفیثس
و کارولا اشتوتس
مترجم: جلال سلطانی
انتشارات: نشر نو

با در نظر گرفتن کل آرگانیسم و فرایند رشد و تعاملاتش ممکن می شود. زبان این کتاب هم تحلیلی اما روان است که خواننده را به درک عمیق تر رابطه میان فلسفه و زیست شناسی دعوت می کند. خواندن این کتاب برای علاقه مندان به فلسفه زیست شناسی، ژنتیک و دیگر علوم زیستی گزینه جذابی خواهد بود. نشر نو «ژنتیک و فلسفه» را در ۲۸۴ صفحه به قیمت ۶۷۰ هزار تومان چاپ کرده است.

تاریخ

نخستین آزمایش انسانی انسولین

تعداد مبتلایان به دیابت به اندازه ای است که پس از کشورهای چین و هند، می توان به آن لقب سومین کشور پر جمعیت جهان را داد. سازمان ملل در سال ۲۰۰۶، این روز را که مصادف با تولد یسر فردریک بنتیک، پزشک کانادایی و یکی از کاشفان انسولین است، به عنوان روز جهانی دیابت معرفی کرد. دیابت به بیماری شیرین معروف است که به توانایی بدن برای فراوری قند خون آسیب می رساند. بدون مداخله و مدیریت دقیق، دیابت منجر به تجمع قند خون شود که خطرات و عوارض خطرناکی همچون سکنه مغزی و بیماری های قلبی را افزایش می دهد. در سال ۱۹۹۲ در چنین روزی، دکتر گرانت بنتیک نخستین آزمایش انسانی انسولین را با موفقیت انجام داد. بنتیک با این آزمایش، علاوه بر اینکه جان میلیون ها انسان در سراسر جهان را نجات داد، برنده جایزه نوبل فیزیولوژی و پزشکی در سال ۱۹۲۳ شد. بنتیک که نقاش زبردستش هم بود، جوان ترین برنده جایزه نوبل نیز لقب گرفته است.